

مجلس آنجاست که ملت آنجاست

دکتر مصدق

اتحاد بزرگ

شماره ۲۸ پنجشنبه ۱ شهریورماه ۱۳۵۸

تک شماره ۱۰ ریال

ضرورت وجود ارتش منظم
و قدرتمند برای حفظ
تمامیت ارضی میهن

در صفحه ۲

رویدادهارایک جانبه بررسی نکنید

خواست‌های قانونی و صدور صد ملی کرد را تجزیه طلبی نخواهیم

گناه از همین دلیر و آزاده‌ای که در تمام سالهای سیاه دیکتاتوری با بهای دیگر هم‌میهنانش به زندان رفت، شکنجه شد و

تذک نظریه‌ها را کنار بگذاریم و ایران را دریابیم

امام خمینی:

برادران شیعه و سنی حقوق مساوی دارند

برادران اهل سنت و دامن زدن به برادر کشتی قبیله شیعه و سنی را طرح میکنند در حالیکه در جمهوری اسلامی همه برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادر و در حقوق مساوی هستند.

امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی ملت ایران در پیامی خطاب به مردم کردستان تاکید کرد عوامل اجانب که منافع خود و اربابانشان را در خطر می‌بینند برای تحریک



نیروهای ارتشی و پاسداران برای حرکت بسوی منطقه جنگ زده از هلیکوپتر استفاده می‌کنند.

مثن پیام امام بدین شرح است. بسم الله الرحمن الرحیم - اعلیٰ محترم کردستان، دوستان معظم من پس از پیروزی انقلاب و اعلام جمهوری اسلامی گروه‌هایی که با اسلام دشمن هستند و از وابستگی اجانب می‌باشند شروع به فعالیت بر ضد نهضت اسلامی و بر ضد جمهوری اسلامی نمودند حتی بعضی از آنها علنی مخالفت کرده و رفرانوم را تحریم نمودند و شما برادران دیدید که حزب دمکرات کردستان وابستگی مستقیم با امریکا و صهیونیسم دارد در آستانه تشکیل مجلس خبرگان و پس از راه‌پیمایی عظیم مسلمان برای قدس سرکردگان خان این حزب جوانان را اغفال نموده و به برادرکشی کشاندند برادران مسلمان من شما به تبلیغات فریبنده این مخالفین اسلام که می‌خواهند کشور مسلمان ما را به کفر بکشند گوش ندهید و نگذارید جوانان عزیز بدام این منحرفین بیفتند. من از اهلای محترم کردستان تشکر میکنم که به تمهید انسانی و اسلامی خود باقی هستند و از آنان تقاضا میکنم که از قوای انتظامیه اسلامی پشتیبانی کنند و سران این حزب

با توجه به زندگی اجتماعی کردها و سایر ایرانیان در طول هزاران سال تاریخ به این نتیجه منطقی می‌رسیم که کرد در دون و بیرون از مرز ایران، ایرانی است و قراردادهای تحمیلی و بند و بست های سیاسی جهانخواهان توانائی آن ندارد که رشته‌های مستحکم را که در میان آنها و دیگر ایرانیان وجود دارد بگسلد و دستاویزهای مسخره‌ای که در طول تاریخ با دست یازیدن بدان گوشش شده تا این هموطنان دلاور را از دیگر ایرانیان جدا نماید هرگز کارگر نبوده است چنانکه در دوره پهلوی‌ها قرارداد ننگین الجزایر که بزرگترین ضربه را به وحدت ملی می‌موتانست وارد سازد و برغم سازش بی‌شماره‌ای که بر سر این بخش از میهن شکل گرفت برگردستان هم‌چنان پرچم ایران

ارشاد نه آوازه گری!!

مهمترین عامل سازنده افکار عمومی در جامعه مطبوعات است و همین جهت تا دیروز که نظام حکومتی بر مبنای مشروطیت بنیان نهاده شده بود بهنگام حضور واقعی این مفهوم اجتماعی در رکن چهارم مشروطیت خوانده می‌شد. زیرا که در آغاز مشروطیت نمایانگر آرا و نظرات آزادخواهان مشروطه طلبان بود و با درج عقیده‌های آنان سبب ایجاد همبستگی و نزدیکی افراد مشروطه‌خواه به یکدیگر می‌شد. از همان زمان مطبوعات وظیفه حساس و بزرگی را به عهده گرفتند که همانا نشر حقایق و آگاه نمودن مردم جامعه از رویدادهایی بود که در سراسر جهان به وقوع می‌پیوست و بنابراین می‌توان گفت وظیفه‌ی یک روزنامه از حد یک معلم که باید درست اندیشیدن را به شاگردان بیاموزد و از بیان موضوع‌های نادرست که اندیشه آنها را به انحراف می‌کشد و آنها را دچار گجروی می‌سازد خودداری کند، فروری گرفت گسترش دیکتاتوری و استبداد حکومت فردی همانگونه که وضع پرورش و آموزش را دگرگون ساخت و سبب گردید که احساس مسئولیت در میان آموزگاران فراموش شود، مطبوعات را نیز تقریباً چمگلی از مسیری که بایستی پیمایند دور بقه در صفحه ۴

فاجعه سوم شهریور ۱۳۲۰

ملت ایران در طول هزاران سال تاریخ پر نشیب و فراز خویش، شاهد روزهایی تلخ و دردناک و تاریکی بوده است که یادآوری آنها قلب را بهم می‌شرد و دیدگان را پراشک می‌سازد و گذشت زمان نیز زخم آن درد را التیام نمی‌بخشد. یکی از آن روزهایی سیاه سوم شهریور ۱۳۲۰ است. روزی که در سحرگاش

دولت باید حقایق را بامردم در میان بگذارد

در نوع حرکت و نهضت کشورهای مختلف که در براندازی رژیم‌های خود کوشش کرده‌اند مشابهت‌های بسیاری می‌توان یافت. کودتای نظامی یا جنگ چریکی در حالت اول تقریباً اساس و قواره حکومتی یا اساس دیوانسالاری آن حفظ می‌شود و غالباً به تغییر مسائل روتیناتی می‌پردازند زیرا اساس کسب قدرت می‌باشد و چون عمل آنان متکی بر تمام ملت نیست در پاره کردن رشته‌های پیوسته دچار تردید میشوند. اما در حالت دوم یعنی مبارزه مسلحانه و شکست ارتش و دیگر مراکز قدرت امکان تغییر بنیادی در

چه سود که صف دشمنان طویل تر شود؟

خواندیم و بارها هم خواندیم که جلال طالبانی از آن سوی مرزها راهی دروازه پشت سر گذاشته و در محضر امام اعتقاد راستین خود را به انقلاب اسلامی ملت ایران اعلام داشته، اعلامیه صادر کرده که در فاجعه‌ی کردستان نه او و نه هیچیک از یاران و هوادارانش شرکت نداشته‌اند و شگفتا که هرروز به شکلی گوش می‌شود که خلاف این هر دو اثبات گردد. چه سود مگر خلاف آن ثابت گردد.

قانون باید پاسخگوی همه نیازهای اجتماعی باشد

قانون به صورت عامی که باید روابط اجتماعی را تنظیم کند از دیرباز مورد بررسی و گفتگو بوده است. باید توجه داشت در پدیده‌هایی ما با انسان و جامعه سروکار داریم و این هر دو پیوسته در حال تغییر و دگرگونی می‌باشند. انسان‌ها نه تنها از نظر شخصیت و ویژگیها باهم تفاوت دارند بلکه حتی شخصیت یک انسان در یکنواختی متفاوت است با شخصیت همان انسان در زمانی دیگر. و این دلیل نسبی بودن مسائل اجتماعی عنوان میگردد و این عقیده پدیدار می‌شود که هیچ تحقیق، تئوری و فرضیه‌ای در زمینه‌ی مسائلی اجتماعی دارای جنبه‌ی مطلق، قطعی و ثابت نیست و همه پژوهش‌ها و نظریه‌ها از یک درجه‌ی نسبیّت برخوردارند. بسیاری از فیلسوفان سیاسی و حقوقی، قانون را به گونه‌ی نشانه و جوهر واقعی دولت ملی می‌دانند. با وجودیکه بطور عادی از قانون‌های علمی، طبیعی، الهی و اجتماعی صحبت می‌شود. و قانون از نظریات محقق مسم سیاست عبارتست از آئین کار اصول و دستوراتی که بر روابط انسان و نهادهای یک اجتماع متحد حاکم بوده و به هم-آهنگی منافع متضاد انسان و نهادهای اجتماعی کمک می‌کند و برخی نیز قانون را وسیله‌ای برای تطبیق بخشیدن تعادل بین هدفهای فردی و اجتماعی می‌دانند و بطور

مقررات حقوقی که محصول و مولود ضرورت‌های اجتماعی در برهه‌ای از زمان است نمی‌توانند جنبه ازلی داشته باشند

کلی می‌توان قانون را نهادی زنده و موثر در تحقق آرزوی بشر برای ایجاد دنیای بهتر و روشتر دانست ولی باید دانست این مفهوم چون دیگری مفهوم‌های اجتماعی دارای تعریف واحد و قابل تعمیمی نمی‌باشد و افراد در موقعیت‌های گوناگون آنرا به شکل‌های مختلف تعبیر و تلفی می‌نمایند. به چگونگی شکل‌گیری و قوام قاعده

هم‌میهن:

تشریح «جنبه ملی ایران» در حال حاضر بصورت هفته‌نامه توسط همان کسانی که خبرنامه جنبه ملی را در شرایط بسیار سخت و خفقان و حتی در دوران انحصار مطبوعات منتشر میکردند انتشار می‌یابد. این نشریه در حقیقت دنباله خبرنامه جنبه ملی ایران است که پس از پیروزی انقلاب بصورت روزنامه با همکاری همان گردانندگان خبرنامه جنبه ملی شروع به انتشار منظم کرد و اکنون به سبب پاره‌ای مشکلات فنی و چاپ بطور هفتگی و بنام

«هفته‌نامه جنبه ملی ایران» در راه اتحاد بزرگ» منتشر می‌شود. حق امتیاز و کلیه حقوق قانونی نشریه «جنبه ملی ایران» متعلق به کسانی است که در شرایط بسیار خطرناک و زیر رگبار گلوله دژخیمان شاه و ازگون، تن به خطر دادند و در حالیکه تمامی نشریه‌های مسئول، در حال انحصار بودند و کلیه رسانه‌های گروهی در دست رژیم شاه، در روزهای اوج انقلاب مسئولیت خبررسانی و گزارش رویدادهای انقلاب اسلامی ملت

ضرورت وجود ارتش منظم و قدرتمند برای حفظ تمامیت ارضی میهن

انگیزه جهان‌بینی، بیاد آوریم که وقتی ارتش سرخ در جنگ دوم با دانه صدها هزار کشته و اسیر و مجروح در یکنه‌مقدب نغرات ارتش و گل جمعیت کشور را در

جذب دانشجوی توسط دانشکده‌های تهران و شهرستانها در سالهای مختلف جستجو نمود. در طی سالهای (۴۴-۳۲) به‌سبب وضع نامساعد اقتصادی جامعه و محدود بودن بازار کار و متناسب بودن حقوق

ایدئولوژی طبیعی ارتش ما بر پایه میهن پرستی استوار بوده است

نشینی سریع مسکو برگشت و مسکو در خطر سقوط قرار گرفت. استالین مردیکه تا روز قبل شعار حزب در خطر است را میداد به شعار وطن‌دردن در خطر است متوسل شد و با استفاده از احساس طبیعی هر موجود زنده که از لانه خود در مقابل مهاجم دفاع میکند نیروی آلمان نازی را وادار به عقب‌نشینی کرد و گرنه (حزب در خطر است) سرباز را بجلو نفرستاد و باز اتفاقی نیست که رهبر انقلاب ایران که مرتباً روی اسلام تکیه می‌کند وقتی آشوب پاوه بوجود میاید برای بسیج افراد و سرکوب آشوب دوی ملیت وطن تکیه می‌نمایند.

بنابراین ایدئولوژی طبیعی ارتش ما هم بر پایه میهن‌پرستی استوار بوده است اما نظام فاسد گذشته برای پیشبرد هدفهای خود بعنوان مختلف به توجیبات غلط و مغرضانه متوسل میشد و در هر مودی که علیه مصالح کشور اقدام میکرد آنرا بنحوی کاملاً ماهرانه با میهن‌پرستی توجیه کرده و بقای کشور را در اجرای آن طرح تصویر مینمودند که شرح چند نمونه از این توجیبات میپردازم.

با وجودیکه نمایندگان محترم! ملت تصویب کرده بودند که یکی از وظایف ارتش نگهداری تاج و تخت سلطنت است و با علم به اینکه افراد در موقع گرفتن سردوشی برای نگهداری سلطنت قسم یاد میکنند با این حال برای توجیه مطلب می‌گفتند که سلطنت سدی است در راه نفوذ کمونیزم و باید از آن دفاع کرد اگر بیاد آوریم که رجال استخواندار و معروف مبارز ما تا ۴ ماه قبل از پیروزی انقلاب مصرانه همین نظر را داشتند که نمایان‌اگر این استدلال را قبول کردند چندان هم مقصر نبودند.

نمونه دیگر از اینگونه توجیبات مسئله کمک به اسرائیل بود در این موقع تبلیغ مینمودند که اگر اعراب در مرزهای اسرائیل مشغول نباشند و اگر اعراب کار اسرائیل را تمام کنند بطرف مرزهای ایران سرازیر خواهند شد پس باید با کمک به اسرائیل اعراب را در مرزهای اسرائیل سرگرم نمود تا بطرف ایران نیایند (در این مورد وارد ماهیت امر و حقیقت موضوع نمیشوم) در مورد فرستادن نیرو به ظفار میگفتند با توجه به اینکه کمونیزم حالت تهاجمی دارد اگر کمونیست‌های ظفار بفرستاده شوند بلافاصله به تنگ هرمز حمله برده و باعث قطع صدور نفت ایران خواهند شد و مرزهای ایران مورد تهدید قرار خواهد گرفت پس چه بهتر که دشمن را قبل از رسیدن به خاک خودمان از بین ببریم چنانکه می‌بینیم خلقی بودن یا نبودن قیام ظفار دیگر مطرح نیست چرا که در هر صورت پیشرفت آنان برخلاف منافع کشور ما توجیه‌میشد نه برخلاف منافع حیات حاکمه رفت‌موت با توجیبات و استنباط‌های فردی و مکرر از موضوع دفاع از وطن اصل مطلب را در غباری از اغراض و سوءنیت‌ها و حفظ منافع گروهی خاص فرو بردند و از طرف دیگر دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی به شدت مابغ از رشد فکری نظامیان و تماس آنان با حقایق جامعه شدند مضافاً اینکه در میان قوه مردم با توجه به عمق قانون

تنبه‌شد معلوم گردید که ۲درصد داوطلبین از فرزندان افسران و ۱۲درصد از خانواده درجه‌داران و ۸۶درصد از اولاد زارعان- کشاورزان- پیشه‌وران خرده‌پا تشکیل‌می‌شوند و هرچه از سال ۴۵ جلوتر آمده‌ایم از همان ۲درصد و ۱۲درصد کاسته شده و به ۸۶درصد اضافه شده است. حال ببینیم انگیزه گمانیکه در ۲۵ سال اخیر به دانشکده افسری وارد شدند چه بوده است.

از میان داوطلبان تعدادی که از نظر علمی نسبتاً زیاد ولی از نظر درصد در اقلیت بودند از دوران دبیرستان به انگیزه وارد شدند به دانشکده افسری دبلم گرفته و بدون هیچگونه تردیدی در کتور این دانشکده شرکت میکردند اینان اغلب با انگیزه میهن‌پرستی آگاهانه و علاقه به نوع خدمت در ارتش با علم اینکه در چه راهی قدم گذاشته‌اند ارتش را انتخاب نمودند در میان این دسته کسانی یافت میشدند که در کتور دانشکده‌های نفت و فنی قبول شده بودند اما دانشکده افسری را ترجیح دادند. درصد دیگری به‌سبب مشکلات مالی خانواده که نمیتوانستند مخارج تحصیلات عالی آنان را بپردازند از قبل از گرفتن دبلم این دانشکده را انتخاب کرده بودند و تعداد دیگری بعد از رد شدن در کتور دانشکده‌های دیگر مجبور به انتخاب ارتش شدند که تعداد دسته اخیر در دوره‌های مختلف با توجه به تعداد داوطلبین کتور دانشکده افسری کاملاً متفاوت بوده است.

درصد کمی در هر سه گروه بوده‌اند که حوادث زندگی گذشته، آنان را به لباس نظامی و قدرت‌طلبی سوق داده بود انگیزه‌های مادی در طول ۲۵ سال متناوباً در نوسان بوده است. زمانی برای پدری ۱۸۰ نفر دانشجو ۴۰۰۰ دبیلجه ریاضی‌در کتور این دانشکده شرکت میکردند که از هر ۲۰ نفر یکی انتخاب میشد و به‌جسین علت نیز کم‌کم دبیرستانهای نظام در حال برچیده شدن و زمانی دیگر برای پدری ۱۰۰۰ دانشجو حدود همین مقدار داوطلب از کلیه رشته‌ها بیشتر نبوده است که ناچار دو مرتبه به تقویت دبیرستانهای نظام میرداخته‌اند که علت را بایستی در وضع اقتصادی جامعه، بازار کار و میزان

وطن، پرچم، مرز و جنگ مفهوم کلی ارتش است

آن شد که دادرسانی که مدعی تکیه زدن بر مسند قضاوت علی هستند سربازان وظیفه را با تمام محکوم نمودند و در موارد دیگر بدون آگاهی از حقایق تعدادی از درجه‌داران و افسران جزء را اعدام کردند اینان که سربازان وظیفه را بخاطر اجرای دستورات مافوق اعدام کردند اتقند خام و بسی تجربه بودند که نمیدانستند تنها بلافاصله یک هفته ناچار خواهند شد آنها را به علت عدم‌اجرای دستور اعدام کنند. از طرف دیگر چون حاکمان جدید در روز ۲۲ بهمن بدون داشتن آتکاء به یک سازمان مسلح و بدون هیچگونه مبارزه مسلحانه حکومت را تحویل گرفته بودند بشدت از کارائی ارتش وحشت‌داشتمند و بعنوان مختلف به فلج نمودن کامل ارتش کمک کردند و حتی شعارهای گروههای کمونیست را در این زمینه تأیید نمودند.

بیانیم واقعیت مسائل ارتش را جدا از حب و بغض‌ها و عقده‌ها و جدا از هدفهای کمونیست‌ها و انتقام‌جویی ناگهانه کتور- های متعصب مذهبی بررسی کنیم و بدیهی است که برای اینکه باید به سالهای گذشته بازگردیم.

قبل از تشکیل ارتش فعلی اصولاً وجود ارتش منظم و دائمی را در زمان صلح‌چندان لازم نمیدانستند و با تصور اینکه ارتش تنها در زمان جنگ فلسفه وجودی پیدا میکند سربازان بسیاری را از دست دادند در آن دوره خانواده‌های وابسته به دبار قاجار- اشراف فئودال‌ها خان‌ها سعی میکردند که یکی از فرزندان خود را به قشون بفرستند تا منابع طبقاتی خود را حفظ نمایند و بدیهی است که از بدو ورود بدون داشتن تجربه و آموزش کافی درجه نسبتاً بالائی را میگرفتند و اینگونه افراد بدون‌درگیری با مشکلات و مسائل دفاعی بسرعت به آخرین درجه قشون می‌رسیدند و ضمن گرفتن حقوق و مزایا عتوانی هم داشتند و از منافع اقوام خود نیز دفاع مینمودند و بدین لحاظ است که خاطره اشرافیت فرماندهان نظامی در اذهان باقی ماند که البته این موضوع به قرنهای گذشته نیز بر میگردد. اما با تشکیل ارتش جدید و

بیاده کردن قوانین اروپائی در ارتش اعطای درجات افتخاری و خارج از آئین‌نامه بکلی منسوخ شد و تمام درجات و امتیازات نظامیان تحت قوانین محکم و غیر قابل نفوذی قرار گرفت و حتی اختیارات فرمانده‌گل قوانین در این مورد کاملاً معدوم شد. از آن زمان به بعد داوطلبی فرزندان اشراف برای ورود به ارتش سیر نزولی پیمود زیرا یک اشراف‌زاده نمیتوانست ۲۰ سال تمام در شرایط کاملاً مساوی با سایر افراد خدمت نماید تا بتواند بمرحله‌ای برسد که از اختیارات فرمانده‌گل قوا استفاده کرده و در رده‌های امیری قرار گیرد و از طرف دیگر فعالیت‌های اقتصادی و پست‌های سیاسی‌جاذبه‌بشتر شد و در نتیجه

نظر بگیریم تعداد مبارزان ارتش بیشتر از غیر نظامیان بوده است. مطبوعات خود فروخته شاه را به مرحله خدائی رسانیدند از جناح روشنفکران مرتباً سه صف مبلغین دستگاه میبوستند و تنی چند روحانی‌نمای مزدور نیز از نظر مذهبی شاه را توجیه میکردند و خلاصه در سطح جامعه هیچگونه نغمه مخالفی که در تئور افکار جامعه‌موتور باشد وجود نداشت و اگر از سال ۵۰ مبارزه مسلحانه از جانب برخی جناح‌ها شروع شد با توجه به نداشتن امکانات تبلیغ و افشامگری از جانب آنان خیلی راحت وجود آنان توسط اتهام (ایادی بیگانه) توجیه میشد.

هنر انقلابی، یا ضد انقلابی؟

را عیناً آنچه در روز هفدهم شهریورماه سال پیش بر مردم شهر تهران گذشت بازسازی کند و بویژه اصرار او در این بازسازی بر اینکه شیوه «مستند سازی» را پیش گیرد. برای آنست که نقطه نظراسلی کارگردان دویادوئی ارتش با مردم است و فجایعی که این دویادوئی بیاد آورد.

برگردیم به مساله هنر متعصب و سازنده، و این پرسش که آیا بازسازی و نمایش مجدد این فیلم در جهت انقلاب ایران است و می‌توان آنرا «سازنده» دانست یا نه؟ در ایران بعد از انقلاب، نخستین و مهمترین مساله‌ای که با آن روبرو بودیم و هستیم بازسازی ارتش از دست رفته بود که وجودش برای حفظ و حراست و

فیلمسازان ایرانی، پس از رسیدن به آزادی نه تنها آنها خاموشند، که اصولاً در میان دیگر مسائل روزمره محو و گم شدند.

امنیت کشور بیش از هر چیز اهمیت دارد. در چنین روزهایی بیشترین نیاز به تسویق و ترغیب ارتش است و از آن مهمتر تصبیح نظر و فکر مردم ایران نسبت به ارتش است که تا دیروز دشمن بود و امروز دوست است.

و از سوی دیگر احترام و اطمینانی که افراد ارتش به آن نیاز دارند تا بار دیگر گردم آیند و این بار قدرت و امکاناتشان را در جهت انقلاب و مردم ایران بکار گیرند، در چنین شرایط حساسی آیدارست است که باز با نمایش آنچه گذشت بکوشیم تا افراد ارتش را به حقارت بکشیم و یادشان بیاوریم که شما می‌توانید «برادر» ارتشی

در چنین شرایطی درست است که باز با نمایش آنچه گذشت بکوشیم تا افراد ارتش را به حقارت بکشیم.

هم نباشید و یا بخاطر مردم آوریم که «برادر» امروز همان «مزدور» دیروز است و همان است که چند ماه پیش فرزندان شما را به کشتن می‌داد و همان است که تا دیروز متمم به برادر کشی بود. آیا ایسن معنی سازندگی است؟

آیا نمی‌توانیم بجای آنکه تلخی‌های دیروز را بازسازی کنیم به شیرینی‌های امروز اتکا کنیم. آیا نمی‌توانیم فیلمسی بسازیم که ماهیت و علت‌وجودی ارتش را در رابطه با استقلال بازگو کند؟ هنر انقلابی ما امروز به وقایعی محدود شده است که در فضای فعلی و احساسات خاص حاکم در جامعه می‌تواند اجرا باشد اما آیا تم آن در ذهن مردمی که هنوز از احساس عقب‌به‌منطق و تفکر نرسیده‌اند نیز در جهت انقلاب است؟ آیا نمایش دوباره وقایع ۱۷ شهریور بار دیگر سبب جدائی مردم از ارتش و رنجش افراد ارتش و در نتیجه دلسردی آنها نخواهد شد؟

هنر متعصب، و هنر سازنده می‌کنیم، دریافتیم که این کلمات هر یک مفهومی به وسعت تمام آینه‌ها را با خود دارد و هر یک برای هنرمند در رابطه با اجتماع مسئولیتی عظیم بوجود می‌آورد؟

اخیراً در روزنامه‌ها خواندیم که یک جوان مومن به انقلاب دست در کار تهیه فیلمی است از وقایع خونین هفدهم شهریور ماه سال پیش در تهران. روزی که بی- تردید ملت ایران هرگز از یاد نخواهد برد. از آنچه در مورد این فیلم در روزنامه‌ها نوشتند و دیباچتیم، قصد فیلمساز ایسن است که حماسه وطن‌پرستانی را بازسازی کند که در راه آزادی علیه نظام حاکم عصیان کردند و حادثه‌های فراموش نشدنی ساختند. برای این منظور فیلمساز مردم را به یاری طلبیده و از قوای نظامی کشور نیز مدد گرفته است تا بتواند تمام وقایع

باز گشت به خویشتن خویش

ایرانیانی که به استقلال و آزادی و حاکمیت ملی اعتقاد دارند و دلپاشان به عشق میهن می‌تپد و در برابر دیدگان پرچم سه رنگ سبز و سفید و سرخ با نشان شیر و خورشید در اهتزاز دارند و امید و آمانشان سرافرازی میهن و سربلندی ملت سترک ایران است این روزها بیشتر از گذشته و باعلاقه‌ندی و نگرانی رویدادهای روزانه سرزمین خویش را پی‌گیری میکنند، از خود می‌پرسند چرا پس از این همه قربانی دادن آرایش به کشور باز نمیگردد؟ چرا نابسامانی‌ها پایان نمی‌پذیرد؟ چرا پس از انقلاب شکوهمندی که چشم جهانیان را خیره کرد برادران رو در روی هم ایستاده‌اند و بروی هم شمشیر میکشند؟ خون یکدیگر را می‌ریزند و به حریم آزادی یکدیگر تجاوز میکنند؟ چه دستبندی در کار است؟ و معرکه این فتنه‌ها چه کسانی هستند؟! کدام اعرین یا اهریمنان بسنگال غروسکهای کوی خویش را در صحنه سیاسی-اجتماعی ایران به حرکت در آورده؟

● جای تاسف است که بجای دگرگونی بنیادی، نهادی، اجتماعی و زدودن مظاهر تمدن غربی به فرهنگ ملی حمله می‌شود

برای چند روز بیشتر حکومت کردن چوب حراج به ثروت ملت زدند بلکه به تخریب همه دست آوردهای ملی و فرهنگی مسا پرداختند.

قربانیان تبلیغاتی استعمار کینه و نو، از سر شوق سراز یا شناخته به شیوه زندگی غربی گراییدند، لباسهای محلی جایش را به لباسهای آخرین مد مژون‌های پاریس و رم و لندن داد و قهوه‌خانه‌ها به تریا و کافه و کباب‌ها و غذاهای ایرانی به بیفتک و استیک و مرغ سوخاری گنتاکی و... و نوشابه‌های محلی به شراب و ویسکی و انواع «کولا» بدل شدند و از چهارگوشه جهان اقسام خوراکی‌های عجیب و غریب بر سفره ما، تا به اصطلاح متمدن شویم!

سخن کوتاه، چه آنچه عیان است چه

نخیکان سیاسی دست‌نشانده بیگانه که قبله گاهشان در بیرون از مرزهای ایران زمین قرار داشت نه تنها ثروت ملی ما را در طبق اخلاص به اربابان بیشکش کردند و

مغزی متقاعد کردن خوش‌باوران اصلاح طلب و روشنفکران تحصیل کرده در مدرسه‌های مغرب زمین به تقلید از تمدن غربی بودآتم از روی الگوهای که وسیله استعمارگران

زنان و مردان آزادهی این مرز و بوم از خود می‌پرسند «به کجا می‌رویم» یا بهتر

ارض مقدس یا سرزمین تاریخی کنعان بدنیال فتوحات اسلامی، در سال ۶۳۶ میلادی، درست ۱۳ سال پس از هجرت رسول اکرم (ص)، مسخر گردید و خلیفه دوم عمر بن الخطاب در همان سال وارد منطقه شامات و فلسطین شد و به اورشلیم که بن (= شهر صلح و آشتی) نام نهاد و از آن تاریخ آن بلد تاریخی بستانمهای مدینه الاسلام، فلس، قدس شریف و بیت المقدس شهرت یافت. در زمان حضرت سلیمان وسعت شهر در حدود ۱۵۵ هکتار بود و در زمان هیردوس رومی که مقارن تولد حضرت عیسی (ع) است، به ۴۶۵۰ هکتار رسید، اما طی هفت قرن سلطه خارجی و بی‌توجهی، بسیاری از معابد و بناهای تاریخی، بصورت خرابه درآمدند، عمر معبد پر عظمت بیت المقدس را در بیرون شهر اورشلیم بصورت مزله یافت و دست‌برداد تا مسجدی در آنجا بنا کنند و خود در آن



مکان که خاستگاه تاریخی معراج پیامبر اسلام بود، نماز گزار و گوی از آن زمان بویژه پس از پیمان‌نامه مشهور، اسلامی بودن این شهر اعلام گردید.

بیت المقدس که بقول ناصرخسرو «شهری است بر سر کوهی نهاده» (۱) دارای اماکن مقدسی است که بهر رو چینه‌های اسلامی آن چشمگیرتر گردید.

حرم الشریف، مجموعه اسلامی بیت المقدس است که مساجد و حصار و دیوارها و شبستان در آن قرار دارد. در این فضای پاک مسجد الصخره نخستین قبله مسلمانان از احترام خاص برخوردار است، صخره بقول ناصرخسرو سنگی است که: «خداوند تعالی موسی علیه‌السلام را فرمود تا آنرا قبله سازد و چون این حکم بیامد و موسی آن را قبله کرد، بسی زیست و هم در آن زودی وفات کرد تا به روزگار سلیمان علیه السلام که چون قبله صخره بود، مسجد در گرد صخره بساختند چنانکه صخره در میان مسجد بود و معراج خلق، تا عهد پیغمبر، محمد مصطفی علیه‌الصلوة والسلام هم قبله آن می‌دانستند و نماز را دوی‌بدان میکردند تا آنگاه که ایزد تبارک و تعالی فرمود که قبله خانه کعبه باشد» (۲)

با اینهمه در روایتی از علی علیه السلام آمده است که رسول اکرم فرمود: «سیدالبعاق بیت المقدس و سیدالصخور مسجدالاقصی، مکان مقدس دیگری است

به مناسبت همبستگی بین‌المللی مسلمانان در حمایت از مردم فلسطین

فلسطین اسلامی

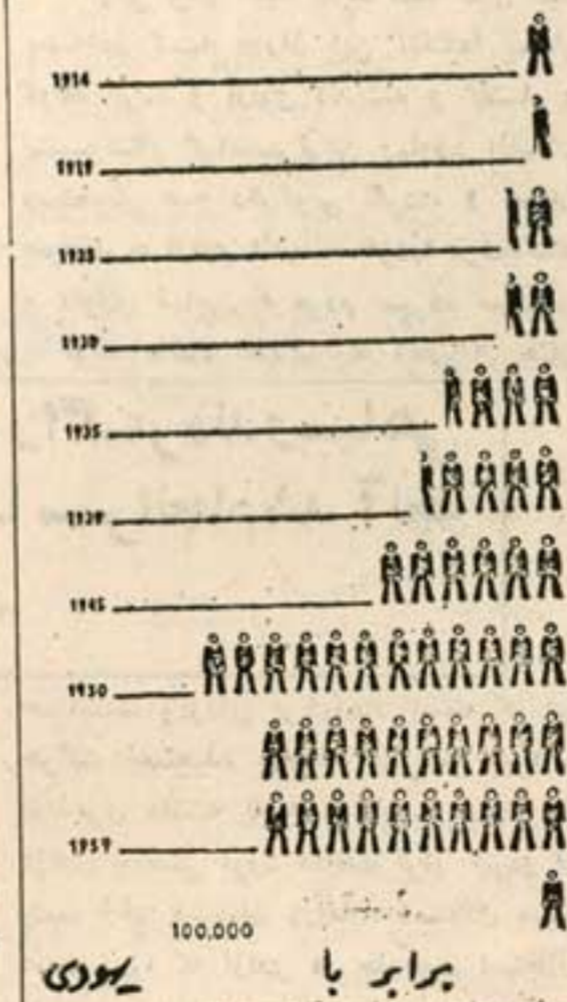
سلطه سوم کارگزاران وایتکان تا سال ۱۱۸۷ میلادی باقی ماند تا صلاح‌الدین کرد ایوبی پس از ده سال جنگهای پی‌درپی فلسطین را آزاد کرد و پرچم اسلام در بیت المقدس با اهتزاز درآمد و بازسازی و نوسازی در شهر صلح اسلامی انجام گرفت.

که در این مجموعه بر نظیر تاریخی قرار گرفته است به زبان آنجا نگردد متعهدوند و زیرک، ناصرخسرو: «خداوند عزوجل مصطفی را صلی‌الله‌علیه وسلم شب معراج از مکه آنجا آورد و از آنجا به آسمان شد چنانکه در قرآن آن را یاد کرده است.

یهودیان و مسیحیان در طسی قرن‌ها، آژادانه زیارت اورشلیم می‌آمدند و هیچگاه مسلمانان ممانعتی بعمل نمی‌آوردند چنانکه ناصرخسرو هم میگوید:

«به یک فرستگی شهبس بیت المقدس ترسایان را چانی است که آن عظیم‌بزرگ میدارند و همیشه مدتی آنجا مجاور باشند و زایران بسیار رسند و آن را بیت‌اللحم گویند و ترسایان آنجا قربان کنند» (۶)

پس از ضعف خلافت عباسی و تسلط سلجوقیان بر بسیاری از بلاد اسلامی، موقعیتی فراهم شد تا وایتکان که خود



برابر با ۱۰۰.۰۰۰

آمار ورود مهاجران یهودی از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۵۹ به سرزمین فلسطین

گرفتار اغتشاشات و ناامنی‌های اقتصادی و سیاسی منبث از فتودالیسم اروپائی بود، در سال ۱۹۹۹ میلادی بسوی فلسطین و شام سپاهیان جراد اعزام دارد و فتح تمام منطقه بویژه بیت المقدس را هدف قراردهد بیت المقدس اسلامی در همین سال پس از دو ماه مقاومت سقوط کرد و چندین شبانه روز زنان و مردان و کودکان فلسطین به فجیع‌ترین صورت کشته شدند.

این تیر در اکتال، تعداد سربریدگان و شکم‌دریدگان و سوختگان را در حدود ۷۰ هزار تن نوشته است در این هجوم وحشیانه بسیاری از بناهای اسلامی ویران گردید و اشیاء گسرابهای مسجدالاقصی و دیگر اماکن مقدس بتاراج فرنگیان‌روئت.

حاجت به بیان، که همه ما بارها و بارها خوانده‌ایم و دیده‌ایم. ششیدام. اما آنچه را می‌خواهیم بگویم اینستکه ملت ایران در طی تاریخ پرافتخار خود، بارها و بارها مورد هجوم قوم‌های بیگانه قرار گرفته زیرا که بقول دوستی «سرزمین ما

برادران رو در روی هم ایستاده‌اند و به روی هم شمشیر می‌کشند و خون یکدیگر را می‌ریزند و به حریم آزادی یکدیگر تجاوز می‌کنند چه دستبندی در کار است؟!!

در چهارده حوادث جهان جای داره ملت ما در سخت‌ترین روزگارانی برای آزادی و استقلال بپا خاسته و در این راه از فرهنگ پر بار خویش مدد گرفته است فرهنگی که در طول هزاران سال چون مشعلی فروزان بر تارک تاریخ شربیت فروزان بوده است. سرانجام نیز دیدیم که پس از آن دیکتاتوری سیاه ملت ایران با بازگشت به خویشتن خویش هوشش را پاسداری کرد. با انقلابی بزرگ توانست به رژیم استبدادی



اولی زندگی اقلیتیهای مذهبی که در پناه اسلام بودند در معرض خطر قرارنگیرد. این سرزمین تاریخی در زمان امپراطوری عثمانی در زمره متصرفات «باب‌عالی» درآید و در کلیت سیاسی عالم اسلام قرارگرفت. توسعه استعماراروپائیان در سرزمین‌های اسلامی بویژه در خاورمیانه تکه‌تکه شدن امپراطوری عثمانی گردید (اعمال

هنگام آزمایش است

عندالامتحان یکرم المرء اویهان «هنگام آزمایش است که انسان گرامی یا خوار میشود.»

مروزی بر بیست و پنجسال اختناق در برگیرندمی درسهای گرانبهای است برای آنها که رهبری جامعه را به عهده دارند و از طرف دیگر برای مردمی که در این سرزمین زیر لوای پرچم ایران و در سایه اسلام زندگی میکنند، عده‌ای از دست نشانگان خارجی با کمک دلار، سرنیزه، اوپاش، حکومت قانونی مصدق، حکومتی که موجد صلح و امنیت حقیقی و عدالت بود بردلپای مردم این مرز و بوم تکیه داشت، سرتکون ساختند و با کمک دستگاه مغوف جاسوسی هرآنک مخالفی را خاموش کردند. ولی این تنها ملت نبود که از این رهگذر زبان دید و هستی و نیستی او بر باد رفت، خود مستبدان نیز آبرو باختند، آواره و تار و مار گشتند.

در همان زمان که مستبدان بار دیگر بر اریکه قدرت فرسار گرفتند و رئیس حکومت قانونی و شیرمرد تاریخ ایران را به بیادگاه کشیدند برای آنها دلسوزی کرد و با نقل جمله‌ای از ژان ژاک روسو گفت «فقط رعایت قانون بقای شما را تضمین میکند.»

آنها گوش ندادند زیرا از قوانین کشور-داری بی‌اطلاع بودند و یا در محاسبات خود نسبت به پشتیبانی و عواطف امپریالیستی اشتباه فاحش کردند.

خیرمایه کشورداری ایجاد صلح و صفا بین افراد جامعه، تامین خوراک و مسکن و تحکیم حس تعاون آنهاست و تشویق آنها به حفظ وحدت و همبستگی ملی برآستی در تامین این اصول که باعث دوام و بقای جامعه میگردد باید محتاط و هوشیار بود دولت به تنهایی هر قدر حسن نیت داشته باشد قادر به انجام دادن آن اصول نیست، باید همه مردم در کار دولت شرکت فعال داشته باشند و مطبوعات ناظر بر جریان امور باشند.

این‌خلدون جامعه‌شناس نابغه اسلامی به کلیت روحی و مادی افراد اجتماع پرداخته میگوید: «افراد بشر متماثل به تعاون و محتاج به تشریک مساعی است به همین جهت مردم حکومتی لازم دارند تا

پنجاه ساله وابسته بیگانه پایان دهد. اما این روزها نغمه‌های شوم دیگری به گوش میرسد و نابفردان ناآگاه که از تاریخ درس عبرت نگرفته‌اند تلاش میکنند تا انقلاب بزرگ اسلامی ملت ایران را به بیراهه برده و مفاخر ملی، فرهنگ ملی و

برادران رو در روی هم ایستاده‌اند و به روی هم شمشیر می‌کشند و خون یکدیگر را می‌ریزند و به حریم آزادی یکدیگر تجاوز می‌کنند چه دستبندی در کار است؟!!

سنت‌های کهن و زبان ایرانی را به تباهی کشانند.

جای تاسف است بجای دگرگونی بنیادی نهادی اجتماعی و زدودن مظاهر تمدن غربی به فرهنگ ملی حمله می‌شود، تقبیر نام شهرها و مکان‌های عمومی و دانشگاهها را به حساب کارهای انقلابی می‌گذارند که بی‌شک مورد تأیید ملت ایران خویشتن خویش هوشش را پاسداری کرد. با انقلابی بزرگ توانست به رژیم استبدادی

سیاست شوم بالکانیزاسیون که در نتیجه کشورهای کوچک زودتر زیر سلطه استعمارگران قرار گرفتند.

کشور عربی فلسطین اسلامی در این جریان ویران‌سازی تاریخی طعمه‌ای بودیس گوارا برای استعمار، اما بشیوه‌ای نه‌بسان دیگر ممالک و همین امر بتحقیق مصائب سختی‌های بیشتری را برای مردمش بوجود آورد و دامنه مبارزات راهائی بخش را تا زمان ما گسترش داد.

- ۱- سفرنامه به تصحیح نادر وزین‌بود ص ۲۸
- ۲- همانجا ص ۳۰
- ۳- بقتل از اولین قبلمه، سوین حرم شریف «بیت المقدس» نشریه سازمان آزادیبخش فلسطین در تهران بنسبیت «روژ فلس»
- ۴- سفرنامه ۳۴
- ۵- همانجا ص ۲۹
- ۶- همانجا ص ۴۵

اصولی را عرضه کرد که برپایه لغوی و دموکراسی بود، پیشوایان آنها نمونه عدل و آزادی بودند و توانستند حوزه اسلام را از حیث بسط و توسعه نیروی روحانی و قدرت سیاسی و فرهنگی به کمال عظمت برسانند.

قوانین قرآن مجید با سیر تکامل تمدن بشر تا هرچه مطابقت دارد و در ترویج تمدن اسلامی که برپایه دموکراسی، عدل، تعاون استوار است ایران‌بان سهم شایسته‌ای داشته‌اند.

با این مقدمات مخالف سازنده با دولت انقلابی و نه غرض‌ورزی و چوب لای‌چرخ انقلاب گذاشتن، می‌تواند ان‌سر ساز و دگرگون‌کننده باشد، اگر هرکس رای و دویه خویش را بر دیگران تحمیل کند جامعه به هرج و مرج خواهد کشید و کار بجایی خواهد رفت که استبداد طومار آزادی این ملت را بار دیگر به بند و در مقابل آزمایش مجدد خسوار و سرافکنده خواهیم شد و واضح است آیندگان چه خواهند گفت.

باری چو فسانه میشوی ای بخرد افسانه نیک شو نه افسانه بد

واقعهای کوچک با ابعادی بزرگ

واقع کوچک است ولی ابعاد بزرگی را در خود دارد که قابل بررسی است و در واقع مثنی نمونه‌ای است از خروار دوشب پیش یک دکمه سیگارفروشی مقابله بیمارستان آبادان از سوی عده‌ای مسورد سرعت قرار گرفت و ماجرا را یکی از گل‌گلان بیمارستان شاهد بود و پس از یک دگرگیری بیچندان مهم دزدان دستگیر و به گمبته‌ای واقع در ایرانشهر برده شدند.

صبح روز بعد پیرمرد صاحب دکه از ماجرا آگاه شد و اینکه تمام سرمایه‌اش توسط چند نفر بقرارت رفته است ناله از دل برداشت و بسرعت خود را به گمبته رساند و پاسخ این سؤال که دزد «مال» من کیجاست؟ مسئول گمبته خونسرد اظهار داشت چون قیافه آقایان! به دزدها نمی‌خوردا ما آزادشان کردیم.

همانگونه که گفتم ماجرا کوچک بود لیکن پاسخ گمبته به یک مستضعف را بنگریم که چگونه است «چون قیافه آنها به دزدها نمی‌خوردا آزادشان کردیم» آیا

عوامل منفی موثر در موفقیت کودتای ۲۸

مرداد ۳۲

جمله زامعی‌ها (پدر و پسر) و باتمانلیج را می‌توان نام برد. ولی مسببان آن کودتا، تنها یاوران مرئی و شناخته شده نبودند، که عضوهای منفی و غیرفعال را نیز می‌توان به این گروه افزود رکه به مقتضای مأموریت تحقیق و بازپرسی از صبح ۲۵ مرداد تا پایان روز سیام مرداد و تحویل پرونده‌های تحقیقی به رئیس دژبان وقت سرهنگ شادمر - سرتیپ فعلی - در جریان و متن وقایع قرار گرفته بود(و از مهمترین عامل‌های عملیات علیه حکومت‌ملی‌دانست، که اختناق ۲۵ ساله مرعون ترک فعل اختیاری احتمالا و یا غیرارادی همین عنصرها و عوامل منفی می‌باشد.

توجه داشته باشید که اگر یک واحد نظامی یا انتظامی از صبح روز ۲۸ مرداد در نقطه‌های حساس شهر مستقر می‌شد امکان اینکه گروهی خود فروخته بسه سرگردی شعبان جعفری و زنان بدکاره، با خرج مبلغی حدود ده تومان، قدرت در هم شکستن نظامی را که می‌خواست ایران را به کمبودی کاملا غیر متعمد و آزاد بدل سازد نداشت.

اگر مسئولان امر بطور مثال در مقام ریاست ستاد وقت صبح روز ۲۸ مرداد به ندای سازمان افسران ارتش ملی که داوطلبانه حاضر به جلوگیری از ایسین خیانت شده بودند، پاسخ مثبت می‌دادند امروز ایسین کوه سر به آسمان کشیده مشکلات جلوی ما سر برنیارشته بود و روزگاره سیاه ستم را با خون جوانانمان پایان نمی‌دادیم. ممکن است این سؤال طرح شود که لازمی این امر اطلاع قبلی مقامات و مسئولین ازدوجود توطئه بوده است. این مسئولین چه سازمان‌هایی و چه اشخاص خاصی بودند؟! تصور کرد که همراه با نخستین ارتباط - های فکری، شگردهای تبلیغاتی هم کشف شده‌اند.

وظیفه اساسی روزنامه‌ها، پخش اخبار و اطلاعات صحیح به منظور آگاه کردن افراد و بالا بردن سطح دانش اجتماعی آنهاست.

بنابراین اخبار و اطلاعات زمانی می‌توانند اثرهای اجتماعی درست پدیدآورند که عینی و واقعی باشند و از مقصدا و غرض‌های شخصی برکنار بمانند. اما در عمل چون وسایل ارتباط جمعی تحت تاثیر هدف‌های سیاسی یا منافع مالی اداره‌کنندگان آنها قرار دارند همراه بخش برنامه‌های خبری یا در کنار آنها تبلیغات سیاسی نیز انجام می‌دهند و اینجاست که همان مساله‌ی آوازه‌گری پیش می‌آید و نه ارشاد.

در جامعه‌ی دگرگون شده‌ی، که از زیر ستمی بیست و پنجساله گریبان چالاک و زبان همدیگر را، خواست و منطق همدیگر را با تفاهم و دوستی درک کنیم از کاهی، کوهی نسازیم و برای دستمالی قیصریه را به آتش نکشیم که اینجا همه دشمن شادمان می‌کند و بس. هرچوایی که به خون کشیده شود، نهالی است که فرو افتادودیر زمانی طول خواهد کشید تا داغ او از یادها برود و نهالی دیگر سر برآورد.

رویی سخنی با همه است. از مامور معتقد دولت تا ناظر بهت زده‌ی بی‌مسئولیت با تمامی مردمی است که نگران فراداشته‌اند. بلندی کوه‌های سر به فلک کشیده‌ی البرز تا آبی آرام خلیج فارس، از مرز نشینان بلوچ تا گوینر نشینان صبور و مهربان ما همه ایرانی هستیم و تا زندگی برپاست ایرانی خواهیم بود و برسر هر ذره از این خاک بی‌چون و چرا از خانمان و ایل و تبارمان خواهیم گذشت. بانک الله‌اکبر در دل همه ما نشانی آسمانی پدید می‌آورد بیاییم بغض همه این نقطه نظرهای مشترک تنگ نظری‌ها را فرو هلم و ایران را دریابیم که استعمار و ارتجاع سخت در اندیشه‌ی تار و مارمان هستند!!

آنچه تاکنون پیرامون عوامل و علت‌های ستوط حکومت ملی دکتر مصدق پس از کودتای بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ گفته و نوشته شده است به دلیل وجود خلفان و صرف مقدار قابل توجهی پول از سوی پهلوی‌ها برای دگرگون جلوه دادن ایسین رویداد سیاه گسه به بیست و پنجسال دیکتاتوری و سلطه بیگانه انجامید، هرگز واقعیت این کودتا را با توجه به همه جوانب سیاسی، اجتماعی آن روشن‌نماید. بیشتر محققان نظرات خود را بسا مطالب کتابی به نام «حکومت نامرئی» تطبیق داده و چنین نتیجه گرفته‌اند که: امریکا تنها مسئول برانداختن حکومت‌های مجلسی کشورهای مختلف و سرکوب انقلاب‌ها بوسیله سازمان جاسوسی سیا می‌باشد و در ایران «گرومیت روزولت یا کیم» مامور این دستگاه برای انجام کودتای ضد مردمی ۲۸ مرداد شد و بعدها به نام آقای ایران شپرت یافت.

در اینکه امریکا در برانداختن حکومت ملی مصدق نقشی چشمگیر و اساسی داشته است تردید نمی‌توان کرد ولی باید در نظر داشت که گرومیت روزولت به ایران فرستاده شد و با دستکاری دوتن دیگر از عضوهای سازمان جاسوسی سیا توانست حکومتی را که مورد حمایت اکثر مردم ایران زمین بود از کار برکنار کند و قلم بظان بر آنچه به پهای خون زنان و مردان ایرانی به دست آمده بود و ایران در سایه‌اش می‌رفت زندگی را سربلند و آزاد بنیان نهد، بکشد.

دستیاران ایرانی، گرومیت روزولت که بطور فعال به ضدیت با حکومت مصدق برخاستند از عوامل تعیین کننده‌ی آن‌حادثه‌ی شوم تاریخی، به حساب می‌آیند که از آن

ارشاد نه آوازه

بقه از صفحه اول ساخت تا بدانجا که با تبلیغات دوغین به ایجاد خواست‌های گاذب در مردم، بزرگترین یساور دستگاه استبداد زیسر سلطه شدند. و از جامعه‌ی سنتی دیروز جامعه‌ی مصرف‌کننده امروز را ساختند و آوازه‌گری است که عبارتست از دگرگون سراسر مبین گردیدند.

شکل نفوذ در افکار عمومی تبلیغ یا آوازه‌گری است که عبارتست از دگرگون کردن نظرات مردم، نفوذ و رسوخ در آنها و نظارت بر عقیده ایشان از راه‌های غیر مستقیم و گاه پنهانی با پذیرفتن خطشی غیرآشنا و مخالف عرف و عادت که بسی گمان باید بین تبلیغ و ارشاد تفاوت قائل بود.

ارشاد جریانی است که مفاهیم روشن و منظمی به انسان می‌دهد و لسی آوازه‌گری جریانی است که مفاهیم روشن و تاریک بساسم می‌آمیزد و بسه شکلی خوش‌آیند درمی‌آورد و به ایشان عرصه می‌کند. ارشاد منجر به شناخت ادراکی می‌شود ولی هدف آوازه‌گری انگیزتن عسوافظ و آماده‌کردن مردم برای قبول عقایدی مشخص است.

تبلیغات پدیده‌ای تازه نیست، می‌توان

رویدادها را یک‌جانبه

بقیه از صفحه اول سنی هر دو ایرانی هستیم و از حقوق مساوی برخوردار، هر دو برای آزادی و استقلال این مرز و بوم جان می‌سپاریم و برای حفظ دستاوردهای انقلاب فداکاری و از خودگذشتگی نشان می‌دهیم. چرا در بررسی رویدادها یک‌جانبه می‌اندیشیم و عدالت را که بزرگترین توطئه اسلام است از یاد می‌بریم؟! ما همه ایرانی و مسلمانیم، میسان شیعی و سنی در چارچوب مبین ما و زیر پرچم گرامی ما و در کنف حمایت انقلاب بزرگ ما قفاوتی نیست.

اگر در پهن دشت مبین مردم بسا گوش‌های مختلف سخنی می‌گویند ولی همه دل‌هایشان بغض ایران می‌تپد و در شادی و اندوه و بیم و امید یکدیگر سپیمند. هراتشی که در دوردست‌ترین نقطه‌ی این سرزمین زیانه گمش چشم یک یک ما را خواهد آزرده و جان یک یک ما را خواهد سوخت.

بلون هیچ استدلالی، بی‌گمان شهربانی در مرحله‌ی اول و ارتش در مرحله‌ی دوم مسئول بودند. در مورد شهربانی باید متذکر شد که با قتل نجیب افشار طوس رئیس شهربانی مصدق که تنها مانع در مقابل مغالین حکومت ملی بود، دیگر شهربانی سر و سامانی نگرفت. انتصاب سرتیپ دفتری که بعد روشن شد با عاملان کودتای ۲۵ مرداد در رابطه بوده است وضع را به از بدتر کرد و سوء استفاده از احساسات مصدق سبب گردید این عنصر فرصت‌طلب پس از کودتای نافرجام ۲۵ مرداد نیز آزادانه در اجتماع حضور یابد و در کودتای ۲۸ مرداد نیز نقش خود را ایفا کند و بدینگونه شهربانی وضع بسامانی برای جلوگیری از توطئه نداشت، و اما ارتش بدلیل وجود حکومت نظامی و استقرار واحدهای آن در کلانتری‌ها نقشی مهمتر از پلیس داشت. افسران سازمان نظامی حزب توده به دلیل سازشی که میان ابرقدرت‌ها برسر سقوط حکومت مصدق کرده بودند نیز بناچار اقدامی به‌عمل نیاوردند. در همان اوان حکومت مصدق شجاری از افسران وطن پرست و تحصیل کرده سازمانی بنام «سام» که کوتاه شده «سازمان افسران ارتش ملی» بود، تشکیل دادند که تیمسار تقی ریاحی وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران جزء گروه نامبرده بود و بنا به توصیه‌ی حزب ایران پست ریاست ستاد ارتش مصدق به او داده شد.

وظیفه‌ی این سازمان پاکسازی ارتش و جهت دادن به اندیشه‌ی نظامیان بسوی افکار ملی بود و در موقعیت‌های حساس‌نیز مورد مشورت دکتر مصدق قرار می‌گرفت. افسران این سازمان روز ۲۸ مرداد سوخته جان بیرون آمده و زخم‌های نظام حاکم فاسد بر ذرات وجودش نقش بسته با کمال تأسف هنوز هم پس از گذشت شش ماه التیام کامل نیافته است و هر روز بگونه‌ای بر آنها نمک‌باشیده می‌شود ضرورت وجود مطبوعات سالم و بدور از غرض -

انقلابی شدن و چنان با کمک فرتنگ رنگارنگ‌نشان به میدان آمدند که برآستی همگان را دچار شگفتی ساختند. آنقدر پهنه‌ی شایعه را گسترده‌اند. آنقدر بسرای پوشاندن سیاهی‌های زندگی گذشته‌ی خود فریاد آزادیخواهی‌زدنو انقلابی‌نمایی‌کردند در این راه از تمهت و افترا و دودغ‌زده‌ی ابا نمودند که سرانجام شد آنچه ناپستی هرگز می‌شد و دود این آتش همه جا شعله‌ور نه تنها چشم‌های گوربین و غرض‌ورز آنها که چشم جامعه را که آزادی را طلب می‌کرد و در این راه امید بدان داشت تا همگان برخوردار از آن باشند و شایستگی این برخورداردی را نیز نشان دهند آزرده واشک حسرت از آن جاری گرد.

ولی برغم آنچه پدید آمده بدان امید بسته‌ایم که دوران این تنگناها بسیار کوتاه گردد و آزادی اندیشه و گفتار و نوشتار گرامی‌ترین راه‌آورد انقلاب دستخوش هیچ دگرگونی نگردد. و همگان بتوانند به آزادی اندیشه خود را عرضه‌کنند و داوری نهایی به مردم سپرده شود. توجه داشته باشیم که زمان از چنان

خو تگرفته و جز از سانسور تغذیه نشده‌اند سر بیرون آوردن و صدای آزادیخواه‌ی دزدنده و چنان بکه‌تاز میدان شدند که راه را بر همه آن آزاداندیشان راستین‌سد کنند و بلز تومییدی بر جان‌هایشان بپایند. آنها که بوقلمون‌صفت هر روز بر تنگی درآمده بودند یکباره چنان انقلابی‌تر از هر

مس است و در زیر پرچم پس افتخار آن همه گروه‌ها بسه حقوق خود می‌رسند. عوامل اجانب که منافع خود و ادبایشان را در خطر می‌بینند بسرای تحریک برادران اهل سنت و دامن زدن به برادرگشی قضیه شیعی و سنی را طرح نموده و می‌خواهند با شیظنت بین برادران اختلاف ایجاد کنند، در جمهوری اسلامی همه برادران سنی و شیعه در کنار هم باهم برادر و در حقوق مساوی هستند هر کس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن‌اسلام و ایران است و برادران کرد بساید این تبلیغات غیر اسلامی را در نقطه خفه کنند، لذا از خداوند تعالی وحدت کلمه مسلمین و نابودی منافقین را خواهیم.

و السلام علیکم و رحمة‌الله و روح‌الله‌الموسوی الغمینی ۲۹ مرداد ۵۸

از رئیس ستاد ارتش رتقافضا کردند که بدانها امکان پیشگیری از حادثه یا حادته می‌شود، داده‌شود جریان از طریق رئیس ستاد به‌آگاهی پیشوا رسید و البته مصدق نمی‌توانست با این پیشنهاد موافقت‌کند در چنان شرایطی بعید به‌نظر می‌رسد که عوامل اطلاعاتی ستاد ارتش که در راس آنها سرتیپ سیاسی رئیس رکن دوم ستاد ارتش بود از جریان مطلع نبوده و مراتب را به رئیس ستاد ارتش گزارش نداده باشد، آنچه تردید ناپذیر است زنگ خطری است که به‌صدا در آمد و لازم بود آمادگی کامل برای رفع آن پیش‌بینی می‌شد و بوجود می‌آمد. اگر افسوس عالم را مدعی شویم که بر دل‌مان نشسته هیچ اثری ندارد زیرا که سبب - انگاری سبب شد بیست و پنجسال زندگی ملی ما تپاه شود و با رشیدات‌های بسیار، شکنجه‌ها و نابسامانی‌ها را بردوشمان گذاشت.

نتیجه آن سهل‌انگاری آن شد که گروهی و لگردد و اوباش بی‌دردسر و به‌راحتی توانستند به یاری چند افسر مخالف و بازنشسته و یکی دوتانک و شهادت سی تن از مخالفان خانه‌ی مصدق حکومت ملی را سرنگون سازند و نخستین تجربه‌ی آزادی به تلخی پایان یابد.

دولت باید

بقیه از صفحه اول اداره مملکت قبلا از سوی رهبران نبضت برنامهریزی نشده بود مدلهای شناخته‌شده حکومتی پذیرفته شد و نخست‌وزیر و هیات وزرا تعیین گردید و از این لحظه بحکم وجود نخست‌وزیر مسئولیت اداره مملکت میبایستی به دولت واگذار شود و برای اینکه مرجع‌دیگری مافوق‌دولت وجودداشته باشد شورای انقلاب ناظر بر رفتار دولت و مقام بالای دولت موجودیت یافت. گذشت زمان نشان داد، که اصول پذیرفته و تعیین شده برای اداره مملکت با نحوه عملکرد آن، مطابقت ندارد و دوگانگی شخصی‌رایعان ساخت که ناشی از علم وجودبرنامه، قاطعیت و پذیرفته شدن مسئولیت نهادهای حکومتی می‌تواند باشد و تضاد بوجود آمده باتمام کوششی که از سوی دولت انجام شد از برده بیرون افتاد و اعتراضاتی دربرانگیخت و بدنبال گسترده شدن همین تضادها بود که گروهی ازخود سئوال کردندعلت وجودی دولت چیست؟ و آیا اصولا وجود دولت با چنین وضعیتی می‌تواند منشااعتراض باشد. این نحوه عمل و طرز تلقی نهادهای تشکیل - دهنده دستگاه حاکمیت این نکته را از زنده‌یاد دکتر محمد مصدق بیاد می‌آورد که «من قانون را برای مملکت می‌خواهم نه مملکت را برای قانون، در مرحله کنونی دقیقا قسمت دوم این گفته مصداق پیدا کرده بدین ترتیب که نخست‌وزیر و هیات وزیران تعیین‌شده است اما مسئولیت اداره مملکت بدست دولت نیست بلکه بیشتر حالت ناظر بر وقایع را دارد و از طرف دیگر نحوه عملکرد دولت نیز خسود مهر تسائیدی برنظر این دسته میبایشد. بطوریکه ازاول نه‌تنها دولت هیچگاه نخواست بسه همه مسئولیت‌های خود در قبال ملت عمل کند بلکه خود را در زیر دستورها مغفی کردو برای مثال در تصمیمات گرفته شده مانند ملی کردن بانکها و صنایع جای حسرف بسیار باقی گذاشت زیرا هیچگونه‌برنامه - ریزی برای تداوم کار صنایع ملی شده و ادامه فعالیت تولیدی آنها تئوین نشده بود و تنها به «ملی» کردن آنها در چارچوب حکومت انقلابی دل خوش کردند یا حداقل مردم هنوز حقایقی در این باره نشنیده‌اند ازاین رو است که می‌تسیم اکنون بساآزاد مصرفی با کمبود مواد تولیدی همین‌صنایع ووبراست که خود می‌توانند موجهی بسرای

فاجعه سوم

بقیه از صفحه اول اهریمی انگلیس برغم خیانت سران ارتش بگونه‌ی حماسه‌ای در تاریخ رقم خورد جریان بطور دقیق، چنین اتفاق افتاد: روز دوشنبه سوم شهریور ماه ۱۳۳۰ در ساعت ۴ بامداد سر دینر پولار سفیر انگلیس و آندری اسمیرنوف سفیر اتحاد جماهیر شوروی به خانه علی منصورنخست وزیر رفتند و هر یک طی یادداشتی بسه

خو تگرفته و جز از سانسور تغذیه نشده‌اند سر بیرون آوردن و صدای آزادیخواه‌ی دزدنده و چنان بکه‌تاز میدان شدند که راه را بر همه آن آزاداندیشان راستین‌سد کنند و بلز تومییدی بر جان‌هایشان بپایند. آنها که بوقلمون‌صفت هر روز بر تنگی درآمده بودند یکباره چنان انقلابی‌تر از هر

مس است و در زیر پرچم پس افتخار آن همه گروه‌ها بسه حقوق خود می‌رسند. عوامل اجانب که منافع خود و ادبایشان را در خطر می‌بینند بسرای تحریک برادران اهل سنت و دامن زدن به برادرگشی قضیه شیعی و سنی را طرح نموده و می‌خواهند با شیظنت بین برادران اختلاف ایجاد کنند، در جمهوری اسلامی همه برادران سنی و شیعه در کنار هم باهم برادر و در حقوق مساوی هستند هر کس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن‌اسلام و ایران است و برادران کرد بساید این تبلیغات غیر اسلامی را در نقطه خفه کنند، لذا از خداوند تعالی وحدت کلمه مسلمین و نابودی منافقین را خواهیم.

و السلام علیکم و رحمة‌الله و روح‌الله‌الموسوی الغمینی ۲۹ مرداد ۵۸

بقیه از صفحه اول اهریمی انگلیس برغم خیانت سران ارتش بگونه‌ی حماسه‌ای در تاریخ رقم خورد جریان بطور دقیق، چنین اتفاق افتاد: روز دوشنبه سوم شهریور ماه ۱۳۳۰ در ساعت ۴ بامداد سر دینر پولار سفیر انگلیس و آندری اسمیرنوف سفیر اتحاد جماهیر شوروی به خانه علی منصورنخست وزیر رفتند و هر یک طی یادداشتی بسه

خو تگرفته و جز از سانسور تغذیه نشده‌اند سر بیرون آوردن و صدای آزادیخواه‌ی دزدنده و چنان بکه‌تاز میدان شدند که راه را بر همه آن آزاداندیشان راستین‌سد کنند و بلز تومییدی بر جان‌هایشان بپایند. آنها که بوقلمون‌صفت هر روز بر تنگی درآمده بودند یکباره چنان انقلابی‌تر از هر

ناراضانی مردم باشد. بر همین دوال میتوان به تعطیل چندین روزنامه و مجله از سوی دولت اشاره کرد دولتی که در مراحل اول زندگی خود بسیار دنگرات رفتار کرد و شمار آزادی بیان - قلم - عقیده و حمایت از گروه‌های تحت‌فشار را بروی چشم قرار داده بود با گذشت زمان و برآورده نشدن انتظارات و افزایش فشار گروه‌های طالب قدرت باعث شد تا همان عنصر آزادی بیان و قلم بحرکت درآید و انتقاد از هر سو آغاز شد هر چند که نمی‌توان همه انتقادها را سالم انگاشت و چون قابلیت تحمل و پذیرش انتقاد وجود نداشت و فشارگروم - های طالب قدرت نیز روزبروز افزایش‌یافت دولت را بر آن داشت در زیر لوای «فد انقلاب» بسه تعطیل روزنامه زند و یک راه و ووش یک‌بعدهی را پیشه خودکند. رفتاری که به هیچوجه دشمن و مقام‌دولت انقلابی نیست از همین‌دوست که می‌گوئیم هیچ لزومی برای ابراز چنین رفتاردمکرات مابانه بس از روی کار آمدن دولت وقت و زمانی که دولت هنوز پایه محکم نداشت لازم نبود تاکنون دوجنین وضعی‌قراردگیرد. البته این حرف تأیید ابراز دیکتاتوری از سوی دولت نیست بلکه ابراز این نکته است که دولت میبایستی در آغاز حقیقت را با ملت در میان میگذاشت و مشکلات زمانی و مکانی و مشکلاتی که در راپیروزی انقلاب وجود داشت به اطلاع مردم‌میرساند و خط مشی حکومت خود را تعیین‌میکرد. برتمام این نابسامانیها باید برپانه‌می و سردرگمی دولت را برای سروسامان‌دادن اوضاع و احوال مملکت اضافه کرد و این برپانه‌می بدبختانه در سطح سایر سازمانها و گروه‌های سیاسی نیز وجود دارد و تمام کسانی که اصول حکومتی و نحوه رفتار دولت را مورد انتقاد قرارآده یا میدهند هیچ برنامه‌نظمی شدهو شخصی را چه در امور سیاسی - چه در بابمسائل اقتصادی و چه در اصول اجتماعی ارائه نمیدهند چرا که همه خالی از ذهن‌هستند و کوششی در این زمینه بعمل نیاوردند و این وظیفه دولت و سازمانهای سیاسی است که با آموزش و راهنمایی مردم ذهنها را از افکار انباشته کنند تا برای ساختن ایران فردا از آن‌استفاده شود به امیدآنکه هر منفذ همراه انتقاد خود فکر صحیح سالم‌نیز در راه بسسازی مملکت ارائه‌دهد و دولتها را با آندیشه و قلم خود همراهی کند.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده‌شد بعشق

ثبت است بر جریده‌ی عالم دوام ما

بقیه از صفحه اول اهریمی انگلیس برغم خیانت سران ارتش بگونه‌ی حماسه‌ای در تاریخ رقم خورد جریان بطور دقیق، چنین اتفاق افتاد: روز دوشنبه سوم شهریور ماه ۱۳۳۰ در ساعت ۴ بامداد سر دینر پولار سفیر انگلیس و آندری اسمیرنوف سفیر اتحاد جماهیر شوروی به خانه علی منصورنخست وزیر رفتند و هر یک طی یادداشتی بسه

خو تگرفته و جز از سانسور تغذیه نشده‌اند سر بیرون آوردن و صدای آزادیخواه‌ی دزدنده و چنان بکه‌تاز میدان شدند که راه را بر همه آن آزاداندیشان راستین‌سد کنند و بلز تومییدی بر جان‌هایشان بپایند. آنها که بوقلمون‌صفت هر روز بر تنگی درآمده بودند یکباره چنان انقلابی‌تر از هر

مس است و در زیر پرچم پس افتخار آن همه گروه‌ها بسه حقوق خود می‌رسند. عوامل اجانب که منافع خود و ادبایشان را در خطر می‌بینند بسرای تحریک برادران اهل سنت و دامن زدن به برادرگشی قضیه شیعی و سنی را طرح نموده و می‌خواهند با شیظنت بین برادران اختلاف ایجاد کنند، در جمهوری اسلامی همه برادران سنی و شیعه در کنار هم باهم برادر و در حقوق مساوی هستند هر کس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن‌اسلام و ایران است و برادران کرد بساید این تبلیغات غیر اسلامی را در نقطه خفه کنند، لذا از خداوند تعالی وحدت کلمه مسلمین و نابودی منافقین را خواهیم.

و السلام علیکم و رحمة‌الله و روح‌الله‌الموسوی الغمینی ۲۹ مرداد ۵۸

بقیه از صفحه اول اهریمی انگلیس برغم خیانت سران ارتش بگونه‌ی حماسه‌ای در تاریخ رقم خورد جریان بطور دقیق، چنین اتفاق افتاد: روز دوشنبه سوم شهریور ماه ۱۳۳۰ در ساعت ۴ بامداد سر دینر پولار سفیر انگلیس و آندری اسمیرنوف سفیر اتحاد جماهیر شوروی به خانه علی منصورنخست وزیر رفتند و هر یک طی یادداشتی بسه

خو تگرفته و جز از سانسور تغذیه نشده‌اند سر بیرون آوردن و صدای آزادیخواه‌ی دزدنده و چنان بکه‌تاز میدان شدند که راه را بر همه آن آزاداندیشان راستین‌سد کنند و بلز تومییدی بر جان‌هایشان بپایند. آنها که بوقلمون‌صفت هر روز بر تنگی درآمده بودند یکباره چنان انقلابی‌تر از هر